

"ریشه های آپارتاید در آفریقای جنوبی و اسرائیل یکی ست!"

ترجمه تراب حق شناس

[یادداشت مترجم: مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ 10 نوامبر 1975 قطعنامه 3379 خود را تصویب کرد که 72 دولت به آن رای مثبت دادند و 35 دولت رای منفی (و 32 عضو رای ممتنع). این قطعنامه "صهیونیسم را یکی از اشکال نژاد پرستی و تبعیض نژادی" تعریف می کرد و از همه دولت های جهان می خواست تا در برابر ایدئولوژی صهیونیسم مقاومت کنند زیرا بنابراین قطعنامه، صهیونیسم امنیت و صلح جهانی را در معرض خطر قرار می دهد. این قطعنامه بر اساس قطعنامه 86/46 در 16 دسامبر 1991 لغو شد (ویکی پدیا). لغو قطعنامه فوق از نخستین نتایج جهان تک قطبی به سرکردگی آمریکا و جنگ اول آمریکا علیه عراق بود.]

کاربرد اصطلاح آپارتاید برای معرفی اسرائیل و سرزمین های اشغالی فلسطین تازگی ندارد. این موضوع کتابی بود که نویسنده آفریقای جنوبی "درك كوهن" نوشته و در سال 2008 توسط انتشارات "اکت دو سود" منتشر شد. عنوان کتاب دیگری که در بهار 2013 توسط جمعی از نویسندگان زیر نظر "ژولین سالینگ" و "سلین لبروم" منتشر شده نیز حکایت از همین معنا دارد. اما در کتاب "اسرائیل آپارتاید نوین" "میشل باول ریشار" خبرنگار سابق لوموند که از 1984 تا 1990 در آفریقای جنوبی بوده و سپس از 2006 تا 2009 در اسرائیل و سرزمین های اشغالی فلسطین، مقایسه را تا آنجا به پیش می برد که معتقد است سیستم اسرائیل از آپارتایدی که در آفریقای جنوبی حاکم بود "بدتر" است. در زیر مصاحبه سایت "مدیا پارت" را با نویسنده کتاب ملاحظه می کنید.

مدیا پارت: هدف کتاب به گفته خود شما «توضیح این نکته است که رفتار دولت اسرائیل چرا می تواند با شکل نوینی از آپارتاید که آن را گاه "آپارتاید پوشیده" می نامند تشبیه شود.»؟

میشل باول ریشار: این آپارتایدی ست که نام واقعی خود را پنهان می کند. برخلاف آپارتاید آفریقای جنوبی که نهادینه و به شکل قانون ثبت شده بود، اسرائیل قواعد حقیقی آپارتاید را مستقر کرده است. با وجود این همان شکل از تبعیض که در آفریقای جنوبی وجود داشت، در اسرائیل نیز در اشکال زیر جاری است:

با تصمیمات و رفتارها، با اخراج از سرزمین، با مصادره و تعرض علیه مردم فلسطین. وانگهی آنچه در اسرائیل می گذرد بدتر از آن است که در آفریقای جنوبی بود.

چرا می گوید "بدتر"؟

بدتر است زیرا در بین اهالی فلسطین تفرقه افکنده، دیوار جداسازی برپا کرده و جاده های جداگانه کشیده است. این کشور بیست تحت اشغال با 500 ایستگاه کنترل نظامی. فلسطینی ها به سه، حتی چهار دسته تقسیم شده اند: يك دسته اهالی غزه که نمی توانند به ساحل غربی بروند؛ دسته دوم فلسطینی های اسرائیل که شهروندان درجه دو بشمار می روند [که شمارشان 20 درصد کل جمعیت اسرائیل است]؛ دسته سوم فلسطینی های بیت المقدس که وضعیتی ویژه دارند؛ و بالاخره دو میلیون و شش صد هزار فلسطینی ساحل غربی. علاوه بر این، همه اینان زیر سلطه نظامی و اشغال قرار دارند که در آفریقای جنوبی چنین نبود. به این مثال کوچک توجه کنید: بین اهالی آفریقای جنوبی پلاک اتوموبیل ها متفاوت نبود. چه سیاه چه هندی چه دو رگه و چه سفید يك نوع پلاک داشتند...

سرکوب در اسرائیل با آنچه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی انجام می داد به هیچ رو قابل مقایسه نیست. از 1967 تا کنون تخمین زده می شود که بین 750 تا 800 هزار فلسطینی به زندان افتاده اند. این رقم به نسبت جمعیت پنج و نیم میلیونی فلسطین حیرت انگیز است.

اما در سال های اخیر سیستم ایستگاه های کنترل نظامی در ساحل غربی تخفیف یافته و دیگر مثل اوایل دهه 2000 نیست که مردم ساعت ها انتظار بکشند. دست کم برای خروج از شهرهای بزرگ مثل نابلس چنین نیست.

درست است. فشارها در این باره کمی تخفیف یافته اما مدت های مدید اهالی نابلس نمی توانستند از شهر خارج شوند و امروز هم وضع شهر هیرون (الخلیل) همین است و اصل ستم و تبعیض بر مردم فلسطین ادامه دارد. هیرون دو ناحیه شده، یکی شهر قدیم [محلّه فقیر نشین و شورشی مانند کازبای الجزیره] و دیگری ناحیه H2 که از نیمی از اهالی خود تخلیه شده و اسرائیلی ها 1600 مغازه را در این ناحیه بسته اند، و این همه برای حفاظت از 600 مهاجر یهودی (کولون)! چنین چیزی هرگز در آفریقای جنوبی دیده نشد. من 6 سال از 1984 تا 1990 در آنجا بسر بردم و چنین ابعاد نظامی استعماری در آنجا وجود نداشت. در آفریقای جنوبی سیستمی کاملاً روشن از تبعیض نژادی مستقر بود، هر کسی جایش مشخص بود، سیاهان، دو رگه ها، سفیدها. در 1983 پارلمان سه جانبه ای مبنی بر تبعیض نژادی تاسیس شد و مجلسی هم برای دو رگه ها و هندی ها. چنانکه سیاهان نیز در "هوملند" ها به اصطلاح نماینده داشتند. [هوملند منطقه ای بسته بر اساس تبعیض نژادی، ویژه سیاهان در آفریقای جنوبی]

به طور مشخص این "هوملند" ها یا "بانتوستان" ها چه ربطی دارند با آنچه در سرزمین های اشغالی فلسطین جاری ست؟

ایده "بانتوستان" بدین منظور بود که "ناحیه های سیاه" را بر اساس نژادها مشخص کنند... حال منظور از "بانتوستان" ها در ساحل غربی چیست؟ این ها ناحیه هایی هستند برای گردآوری و تمرکز جمعیت عرب، اساساً از شهرها و روستاهای بزرگ یعنی همان که در آفریقای جنوبی بود.

به چه دلیل همان اصطلاح آپارتاید را بکار می گیرید در حالی که خودتان قبول دارید که چارچوب قانونی ای برای تبعیض در اسرائیل وجود ندارد؟

آپارتاید یعنی چه؟ در لغت یعنی: "توسعه جداگانه". ریشه های آپارتاید در آفریقای جنوبی و اسرائیل یکی ست. سفیدهای آفریقای جنوبی گمان می بردند که رفتارشان عادلانه و موجه است و توجیه آن را در کتاب مقدس می یافتند، مبنی بر اینکه سیاهان، دورگه ها و سفیدها هر يك توسعه خاص خود را دارند و با هم زندگی نمی کنند. تنها تفاوت این است که در آفریقای جنوبی جمعیت سفید 17 درصد کل جمعیت بود. حال آنکه در اسرائیل تعداد جمعیت اسرائیلی و فلسطینی عملاً یکسان است. اگر سرزمین های اشغالی را هم حساب کنیم. آپارتاید سیستمی ست که افراد بین خودشان برابر نیستند و حقوق برابر ندارند.

این سیستم از کی شروع شده؟ آیا از 1947 زمانی که طرح ملل متحد برای برپایی دولت اسرائیل مطرح شد؟ یا از 1948 در جریان جنگ و اخراج فلسطینی ها از اسرائیل یا از 1967؟

این آپارتایدی ست که در عمل پدید آمده. طرح تقسیم فلسطین را در 1947 در نظر بگیریم، و سپس در 1948 زمانی که فلسطینی ها را، با تهدید، مجبور به ترك سرزمینی کردند که در آن تاریخ اسرائیل نامیده شد و سپس در 1967 که آن ها را از ساحل غربی اخراج و تبعید کردند. ملاحظه می کنیم که آپارتاید روندی ست از مصادره و طرد اهالی فلسطین که از نظر اسرائیلی ها جمعیتی هستند زیادی.

در آفریقای جنوبی همه به خوبی می دانستند که نمی توان 75 درصد جمعیت را بیرون ریخت. در اسرائیل برعکس، هر کاری که می شد انجام گرفت تا فلسطینی ها را بیرون بریزند. حتی در خود ساحل غربی از 1948 به بعد اردوگاه های پناهندگان برپا شد. در 1967 این اردوگاه ها همیشگی شد. در کشورهای همجوار حدود 5 میلیون فلسطینی در اردوگاه های پناهندگان بسر می برند و این غیر از غزه است که دو سوم پناهندگان رانده شده از اسرائیل را دربر می گیرد.

با وجود این دولت فلسطین امروزه توسط ملل متحد برسمیت شناخته شده، هر چند البته به عنوان کشوری غیر عضو...

اما هیچکس چنین چیزی را باور ندارد! روند اسلو که 20 سال پیش شروع شد مرده است. اسرائیلی ها هرگز نه تنها از کولونی هایی که برپا کرده اند بلکه از مستعمره سازی در ساحل غربی هم دست نخواهند کشید! در واقعیت امر، دولت فلسطینی قابل دوام و قابل حیات به یک خیال و هوس بدل شده است. اگر اسرائیلی ها به راستی اراده سیاسی شان بر این بود که برپایی دولت فلسطین را مجاز بشمارند سال ها پیش چنین کاری را کرده بودند. در سال 2001 – 2000 همه چیز روی میز مذاکره بود و امکان پذیر. اما در غیاب فشار خارجی (که بدون آمریکایی ها که در این باره جا زده اند) اسرائیل اجازه نخواهد داد که دولت فلسطین تشکیل شود. دولت فلسطین هرگز پا نخواهد گرفت. موضوع این کتاب توضیح این نکته است که سرانجام چاره ای جز برپایی دولتی دو ملیتی نخواهد بود و از آنجا که اسرائیل يك دولت یهودی است و می خواهد چنین بماند بنابراین مجبور خواهد بود که سیستم تبعیض نژادی را تقویت کند تا از برقراری تساوی حقوق بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها اجتناب نماید.

Michel Böle-Richard

Israël
le nouvel apartheid



<http://www.mediapart.fr/journal/international/250413/les-racines-de-l-apartheid-sont-les-memes-en-afrique-du-sud-qu-en-israel>